

رابطه مشارکت اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم

اصحاب حبیب زاده ملکی* ، هوشنگ فرجی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مشارکت اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم انجام شده است. پژوهش از نوع کاربردی و پیمایشی می‌باشد که به صورت مقطعی انجام پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بیجار گروس می‌باشند. حجم نمونه ۳۸۰ نفر برآورد شده و برای نمونه‌گیری، از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. برای اطمینان از پایایی، آلفای کرونباخ برای متغیرهای مشارکت اجتماعی برابر با ۰/۹۱ (به تفکیک حوزه‌های مشارکت در فعالیتهای دینی ۰/۸۴؛ مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌ها ۰/۷۵؛ مشارکت در امور خیریه ۰/۹۳؛ مشارکت در فعالیتهای محلی ۰/۸۷) و برای متغیر پیشگیری اجتماعی از جرم برابر با ۰/۷۶ محاسبه شد. نتایج این پژوهش بیانگر رابطه

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم انتظامی امین.

** دانش آموخته پیشگیری اجتماعی از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول).

ertabat1388@yahoo.com
farajil358hoshang@gmail.com

مثبت متغیرهای مشارکت در فعالیتهای دینی؛ مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌ها؛ مشارکت در امور خیریه و مشارکت در فعالیتهای محلی بر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، مشارکت در فعالیتهای دینی، مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌ها، مشارکت در امور خیریه، مشارکت در فعالیتهای محلی، پیشگیری اجتماعی از جرم

بیان مساله

عدم موفقیت فعالیتهای بازپرورانه زندان از یک سو و رشد مداوم نرخ جرم از سوی دیگر، سیاست‌گذاران نظام عدالت کیفری را متقاعد نموده که باید سیاست‌های کنترلی و پیشگیرانه جرم را تغییر داده و در نتیجه نقطه مداخله را به مرحله قبل از جرم انتقال دهند (جامی و مردی، ۱۳۹۴: ۷۲). بنابراین از اوایل دهه ۱۹۸۰ در کشورهای توسعه‌یافته، این نگرانی در مورد رویکردهای پیشگیری از جرم و تاثیر تکنیک‌های مختلف در گستره وسیعی از جرائم، ظاهر شد (۲۱۵: ۲۰۱۴، Lab). اما در جوامع کمتر توسعه‌یافته، هنوز یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تامین امنیت اجتماعی، استفاده از عوامل قهرآمیز است. در این کشورها نیز به تجربه ثابت شده است به رغم سریع الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است (منظمی‌تبار، ۱۳۸۵: ۹). این نوع مشکلات مقابله با جرم، منجر به وجود آمدن این رویکرد مهم شده که پلیس، دولت و اجرای قانون، به تنهایی نمی‌توانند، جرم و جنایت را کنترل کنند و بدون مشارکت مردم امکان کاهش جرم، وجود ندارد (Manaliyo, ۲۰۱۶: ۲۶۹).

به این ترتیب، شکل‌گیری فرهنگ پیشگیری از جرم در سطح جامعه در دو دهه گذشته، موجب شده است تا در ایران نیز در کنار جرم‌انگاری و کیفرگذاری در قوانین مختلف، همواره ماده یا موادی، به پیشگیری از جرم اختصاص داده شود. برنامه پنجم توسعه که تعیین‌کننده خط‌مشی حرکت جامعه به سوی توسعه در ابعاد مختلف است، با

استفاده از راهکارهای پیشگیرانه تلاش کرده است با هدف کاهش زمینه‌ها و شرایط وقوع جرم و پیش‌بینی تدابیری جهت عدم تکرار جرم، جهت‌گیری متفاوتی را نسبت به قوانین پایین‌دستی داشته و رویکرد کنشی را مقدم بر واکنش حاکم قرار دهد (اصغری و سرمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۳)؛ زیرا، یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، کنش و همکاری و مشارکت بوده است.

مشارکت به عنوان فرآیند تعاملی چندسویه مطرح می‌شود، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی- اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی دارد (طوسی، ۱۳۷۰: ۵). بنابراین مشارکت شهروندان، زندگی در شهر و سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به آن را برای افراد جامعه معنادار کرده و آنها را متقاعد و آماده مشارکت و سهم شدن در اداره شهر می‌کند و حس تعلق به محله را در آنها تقویت می‌نماید. در شرایطی که اعضای جامعه در زندگی روزمره خود با مسائل و مشکلات بسیار و منابع محدود مواجه هستند، مشارکت، بیشترین سهم و نقش را در رویارویی با مسائل و مشکلات و کاهش آنها دارد. راهبرد مورد نظر در مشارکت مردمی در مقیاس‌های محلی و فرا محلی، آزادسازی انرژی آنها و استفاده از پتانسیل‌های محلی برای دسترسی به منابع و توان بیشتر برای حل مشکلات است. از این‌رو، امروزه هیچ جرم‌شناسی نمی‌تواند اهمیت مشارکت عمومی در کنترل جرم را رد کند. مشارکت مردم از طریق خانواده، محله، مدارس، کسب و کارهای خصوصی و مؤسسات دولتی و غیردولتی در جلوگیری از افزایش جرائم و بزهکاری، درواقع، دارایی بالقوه هر جامعه است (United Nations, ۱۹۷۹: ۱۸۵).

مشارکت مردم در امر پیشگیری متناسب با مقدرات هر جامعه متفاوت خواهد بود، لکن در هر حال، مشارکت یا همیاری مردم در پیشگیری از وقوع جرم، به‌عنوان پیشگیری اجتماعی، بهترین نوع پیشگیری است (شایگان و اصغرزاده، ۱۳۹۴: ۶۹). با این حال، نرخ جرایم در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، در حال افزایش است (Kizmaz, ۲۰۱۲). تحقیقات اخیر در ایران نشان داده که سن

ارتکاب جرم در جرایم گوناگون در حال کاهش است (رجبی پور، ۱۳۸۷) و بی‌تردید، این کاهش سن جرایم، نشان از عملکرد ناصحیح خانواده و اجتماع است. در این میان، پیشگیری اجتماعی از جرم با تحول در ساختارها و روابط اجتماعی و مداخله موثر در متغیرهای اجتماعی و فرهنگی تحقق پیدا می‌کند (شاطری پوراصفهانی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) و خانواده و محله به عنوان فضای اصلی وقوع و تحلیل ساختارها و روابط اجتماعی، می‌توانند تاثیر قابل‌توجهی بر مولفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم بگذارند.

شهرستان بیجار یکی از شهرستانهای چندقومی استان کردستان است که در چند دهه اخیر شاهد مهاجرت فزاینده جمعیت خود به سوی استان‌های دیگر بوده به نحوی که بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم در طول ۱۰ سال گذشته از بیجار به شهرهای دیگر مهاجرت نموده و این امر موجب شده تا این شهرستان تنها شهرستان استان کردستان باشد که رشد جمعیت منفی داشته و هر ساله سهم این شهرستان از جمعیت کل استان کاهش یابد. نگاهی به آمار رو به رشد از هم گسیختگی خانواده (و وقوع طلاق) در این شهر حاکی از فقدان همیاری و بروز آسیب‌های اجتماعی است که ممکن است بر افزایش سایر آسیب‌های اجتماعی نیز تاثیر گذارد. با توجه به استقبال نکردن سرمایه گذار و فعالیت بخش خصوصی در این شهرستان، ۳۰ درصد جمعیت بیکار تحصیل کرده در منطقه به این شهرستان تعلق داشته و طبق آمارهای موجود، از هر ۲۴ ازدواج در سال ۱۳۸۵ یک مورد طلاق و از هر ۶ ازدواج در سال ۱۳۹۴ یک مورد طلاق نسبت به سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاده است. یعنی (از هر ۱۰۰ ازدواج تقریباً ۲۰ فقره طلاق اتفاق افتاده است) و در واقع درصد تغییرات طلاق سال ۹۴ به سال ۸۵ نسبت به سال ۹۴ (۳۵۹/۵+) می‌باشد که این رشد فزاینده طلاق را نشان می‌دهد و مدت زمان زندگی مشترک ۷۷ درصد از زوجین بین ۱-۶ سال اول زندگی می‌باشد (نیروی انتظامی، شهرستان بیجار، ۱۳۹۵). این درحالی است که یکی از مهم ترین، عرصه‌های پیشگیری اجتماعی، خانواده و سپس محله است و از آنجایی که در جامعه‌پذیری افراد در جامعه

پس از خانواده و محله، نیروهای انتظامی نقش مهمی را بر عهده دارند، پس، جذب مشارکت نیروی انتظامی از خانواده‌ها و محلات، دارای اهمیت بسزایی است. درحالی که فقدان همیاری و انسجام و وجود برخی آسیب‌های اجتماعی (مانند نمونه مطرح شده در بالا) خود، ظرفیت‌های پیشگیری اجتماعی از جرم را با چالش‌های جدی مواجه کرده و موجب شده تا نظام پیشگیری از جرم در برابر مسائل و چالش‌های جدیدی قرار گیرد. در این شهرستان، به لحاظ بالا بودن جمعیت بیکاران (که یکی از علل مهاجرت از این شهرستان است) جوانان جهت تامین درآمدهای خود به تهیه و توزیع مواد مخدر مبادرت می‌ورزند و نظر به اینکه کارگاه و کارخانجات متناسب خصوصاً در این شهر جهت جذب جوانان بیکار وجود ندارد و تعداد زیادی از شاغلین این شهرستان از سایر شهرستان‌های استان آمده‌اند؛ این موضوع موجب رشد جرایم و عدم مشارکت در پیشگیری از آن شده است.

در استقرار سازوکارهای امنیت اجتماعی، نقش مشارکت مردم بیش از هر اقدام سخت‌افزارانه‌ای حایز اهمیت است (هرسیچ و محموداوغلی، ۱۳۹۱: ۱). با عنایت به نگاه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به مقوله نظم و برقراری امنیت از راه پیشگیری اجتماعی از جرم به عنوان ثمره مشارکت جمعی در رویکرد جامعه محوری، مشارکت اجتماعی از ملزومات تقویت و توسعه نظم و امنیت به‌شمار می‌رود و در فقدان آن، پلیس به تنهایی قادر به برقراری نظم و امنیت نخواهد بود. ضرورت انجام تحقیقات بیشتر، پیرامون اهمیت پیشگیری از جرم، به واسطه مشارکت اجتماعی و پیشگیری اجتماعی از جرم نیز به همین دلیل، محرز می‌گردد. اهمیت اصلی و ضرورت این تحقیق نیز از همین جا ناشی می‌شود که قصد دارد به نقش مشارکت اجتماعی و پیشگیری اجتماعی از جرم بپردازد. با توجه به عمق این مسأله؛ برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی برای رسیدن به توسعه اجتماعی و مشارکت عمومی مردم در پیشگیری از جرم در جامعه می‌تواند راهکاری مناسب برای کاهش جرایم و کاهش هزینه‌های مقابله با

وقوع جرم در جامعه باشد. بر همین اساس مسأله اصلی تحقیق حاضر، این است که چه ارتباطی بین مشارکت اجتماعی شهروندان با پیشگیری از جرم در این شهر وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

جهانتاب و داودی (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان ارتقای مشارکت محلی در پیشگیری از جرم به انجام رساندند. یافته‌ها نشان داد، مهم‌ترین ویژگی‌های کارکنان ناجا برای مشارکت محلی مردم با آنان در امر پیشگیری از جرم، شیوه برخورد، صحت عمل، وضعیت ظاهری، ارتباط با مردم و آموزش آنان است. مهم‌ترین ویژگی‌های مردم برای مشارکت محلی آنان در امر پیشگیری از جرم با کارکنان ناجا، میزان آگاهی از محیط اجتماعی و سیاسی خود، نگرش آنان به عملکرد ناجا، انگیزه معنوی، میل و اراده شخصی و شیوه پیش‌بینی پیامدهای مشارکت است. دشواری‌ها و موانع موجود در راه مشارکت محلی مردم در پیشگیری از جرم به نظر بعضی از پاسخگویان، عبارتند از: اعتماد نداشتن به پلیس، نبود اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی صحیح مردم، برخورد نامناسب پلیس، ترس از عواقب مشارکت و نگرش منفی به عملکرد پلیس.

جامی و مردی (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان بررسی نقش مساجد در پیشگیری از جرایم و با همین هدف به انجام رساندند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین عملکرد مساجد و پیشگیری از جرایم رابطه معنا دار و قابل توجهی وجود داشته و مساجد در پیشگیری از جرایم نقش بسزایی دارند.

کمالی رنجبر (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان شناسایی عوامل موثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد با پلیس در مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و با همین هدف انجام داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هم عوامل درون سازمانی و هم عوامل برون سازمانی بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد با پلیس در پیشگیری از وقوع جرم تأثیرگذاراند. در این راستا به ترتیب، متغیرهای اعتماد اجتماعی، کیفیت اقدامات پلیس، مقوله جامعه محوری پلیس و امکانات مدرن پلیس، نوع اطلاعات و آگاهی از سمن‌ها باعث مشارکت بیشتر سمن‌ها با پلیس می‌گردد.

حق نظری (۱۳۹۴) به انجام تحقیقی با عنوان تأثیر مشارکت اجتماعی نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم، در قالب یک پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پیشگیری اجتماعی از جرم اقدام نمود. در این تحقیق میزان مشارکت اجتماعی سازمان های مردم نهاد با فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل مختلفی بر مشارکت سمن ها در پیشگیری از وقوع جرایم تأثیر دارد پس پیشنهاد های مناسبی در جهت تأثیر مشارکت سمن ها در پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه شد.

شایگان و اصغر زاده (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان جایگاه مشارکت مردم در پیشگیری اجتماعی از جرائم مواد مخدر، به بررسی این موضوع که مشارکت می تواند مصداقی از پیشگیری اجتماعی درباره جرایم باشد، تأکید نموده اند. این محققان دریافتند که مردم از راه های مختلفی همچون حضور پر رنگ در نهاد خانواده، تربیت و کنترل فرزندان، اطلاع رسانی به نیروهای دولتی و تشکیل گروه های خودجوش مبارزه با مواد اعتیاد آور می توانند به پیشگیری اجتماعی از مواد مخدر کمک کنند. مشارکت مردم در امر پیشگیری متناسب با مقدرات هر جامعه متفاوت است، تأثیر امکاناتی چون اعلام شماره تلفن های مشخص، اختصاص پایگاه های اطلاع رسانی، اعلام شماره های پیغام گیر و یا پیامک گیر، اختصاص ایمیل و اعلام صندوق پستی و به خصوص اهمیت دادن مسئولان به گزارش های مردمی و واکنش سریع و به موقع به گزارش ها، برای مشارکت بیشتر مردم در امر پیشگیری مورد توجه است.

امیدی و اجاق زاده محمدی (۱۳۹۵) به بررسی میزان مشارکت های مردمی در پیشگیری انتظامی و اجتماعی از جرم اقدام نمودند. نتایج حاصله بیانگر وجود ارتباط بین متغیرهای تحقیق (سن، وضعیت تأهل، محل تولد، میزان تحصیلات و میزان درآمد پاسخگویان) و میزان مشارکت آن ها در پیشگیری انتظامی و اجتماعی بود. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین وضعیت شغلی شهروندان و میزان مشارکت آنان در تقویت امنیت و پیشگیری انتظامی و اجتماعی رابطه معناداری وجود نداشت.

عباسی اسفجیر و دیگران^۱ (۲۰۱۶) به بررسی نقش عوامل اجتماعی در پیشگیری از جرائم شهری در منطقه سه منطقه ساری اقدام نمودند. مطالعه با هدف شناسایی عوامل موثر بر پیشگیری از جرم (سرقت و مواد مخدر) در ناحیه سه شهر ساری انجام شده است. نتایج نشان داد که عوامل اجتماعی مانند روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و دلبستگی به محل، با پیشگیری از جرم و جنایت ارتباط معنادار دارد. همچنین مشخص شد که بین عوامل اجتماعی (روابط اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی) و کاهش میزان جرم رابطه معناداری وجود دارد.

در مورد پیشگیری از جرم (سرقت)، متغیرهایی مانند وابستگی به محل، آگاهی اجتماعی و انسجام اجتماعی، به طور قابل توجهی به پیشگیری از جرم (سرقت) مرتبط بود. نتایج کلی نشان داد که با توجه به تراکم جمعیت، به خصوص مهاجرت و بی‌سوادی و عدم آگاهی اجتماعی، انحراف در افراد غیرمجرد در ناحیه سه ساری افزایش می‌یابد.

بوگس و ماسکلی^۲ (۲۰۱۴) تحقیقی با هدف بررسی زمینه فضایی از رابطه اختلال جرم و جنایت در یک مطالعه از محله‌های رنو با روش اسنادی و استفاده از اطلاعات اداره پلیس رنو و نرم افزارهای آماری انجام داده‌اند. این محققان دریافتند که در یک محله نرخ اختلال منجر به افزایش خشونت و جرم و جنایت می‌شود. تجمع اختلالات [فیزیکی و اجتماعی] منجر به افزایش جرم‌های خشونت آمیز می‌گردد. سابقه اختلال اثر مستقیمی بر بروز جرایم جدی تر از جمله سرقت می‌شود. خود جرم می‌تواند به افزایش اختلال منجر شود و در کل نرخ جرم و جنایت خشونت آمیز به افزایش این اختلالات محله در آینده منجر می‌شود. این یافته‌ها شواهد سازگار با نظریه بی‌سازمانی اجتماعی و

۱. Abasi Asfajir & et al

۲. Maskaly Boggess

نظریه پنجره‌های شکسته است. که در آنها تأکید واضحی بر اثرات محله و اختلالات فیزیکی و اجتماعی آن در نرخ جرم (وقوع یا پیشگیری از آن) دارد.

چمبرلین و هیب^۱ (۲۰۱۵) به بررسی تراکم شرایط نامساعد در داخل و اطراف محله‌ها و اجتماعات و عواقب جرم محله اقدام کردند. این محققان با استفاده از داده‌های مطالعه ملی و شهرستان‌ها از جرم محله و با استفاده از مدل چندسطحی به توضیح رابطه بین محله‌ها و عوامل اجتماعی و اقتصادی و جرم و جنایت پرداختند. نتایج نشان داد تراکم در محله کانونی و محله‌های اطراف به افزایش جرم و جنایت خشونت آمیز مطابق با نظریه بی‌نظمی اجتماعی منجر می‌شود. با این حال، محرومیت نسبی توضیح قوی‌تری برای درک تغییرات در جرم و جنایت اموال، به عنوان تفاوت در تراکم بین یک محله و محله‌های اطراف (و یا جامعه گسترده‌تر) توضیح می‌دهد و سطوح بالاتری از جرم و جنایت اموال را فراهم می‌کند.

مانالیو^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان مشارکت جامعه در پیشگیری از جرم توسط سازمان‌های ضدجرم، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مشارکت (در یکی از شهرهای کیپ تاون) می‌تواند منجر به پیشگیری اجتماعی از جرم گردد؟ در این تحقیق، بینش‌هایی برای چالش‌های جامعه مطرح شد. این مطالعه با روش کیفی و شرکت کنندگان مانند شهروندان عادی و نمایندگان سازمان‌های ضد جرم به صورت نمونه هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق گردآوری شد. یافته‌های کلیدی نشان داد ساکنان در طول شب تحت پروژه "محله" خود را تماشا می‌کنند و با گزارش دادن جنایات مرتکب، به پلیس یا ارائه پلیس به اطلاعات در مورد جنایات احتمالی، همانند یک گشت اجتماعی، به کاهش فعالیت‌های جنایی پلیسی کمک می‌کنند. این محققان، البته دریافتند که مشارکت جامعه با این حال، با برخی موانع مانند فقر در میان ساکنان جامعه و بی‌توجهی پلیس، مواجه است.

۱. Chamberlain & Hip

۲. Manaliyo

پیسکتیل و پرلا^۱ (۲۰۱۷) تحقیقی با هدف بررسی رابطه بین ترس از جرم و مشارکت در پیشگیری از جرم به انجام رساندند. روش کار این محققان میدانی و بر روی شهروندان کانادایی بوده که با استفاده از داده‌های نظرسنجی کانادایی با بررسی اینکه آیا ترس از جرم می‌تواند فعالیت‌های مشارکت متفاوتی را توضیح دهد، را بررسی نمودند. مدل نهایی این محققان، ارتباط بین ترس از جرم و مشارکت را نشان می‌دهد، اما ماهیت آن رابطه با نوع فعالیت متفاوت است. سطح بالایی از ترس، مشارکت در زندگی عمودی را توضیح می‌دهد، در حالی که فقدان ترس باعث می‌شود که مشارکت با زندگی افقی همسو شود، هرچند این الگوی دوم به صورت متقابل میانجی‌گری می‌شود.

مبانی نظری

در مقاله حاضر سعی شده است از هر سه حوزه نظریه‌ها به صورت تلفیقی استفاده شود؛ یعنی آراء صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و آراء نظریه‌پردازانی که مشارکت را در روند توسعه مؤثر می‌دانند و نیز آراء نظریه‌پردازان روان‌شناسی اجتماعی؛ که در این میان آراء صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، همچون دورکیم و نظریه سرمایه اجتماعی، پارسونز و لرنر و اینگلهارت و... نقش برجسته‌تری در تشکیل چارچوب نظری تحقیق حاضر داشته‌اند. هیرشی قیود اجتماعی را در چهار مفهوم کلی دل‌بستگی^۲، تعهد^۳، درگیری^۴ و باور^۵ به ارزش‌ها خلاصه می‌کند (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۴۸). با توجه به این مسائل می‌توان چنین استنباط نمود که کاهش جرم و انحرافات اجتماعی مستلزم مشارکت اجتماعی است. در بیشتر اوقات به دلیل فردگرایی یا علائق فردی، مردم وقت

۱. Piscitelli and Perrella

۲. Attachment

۳. Commitment

۴. Involvement

۵. Belief

کمی را برای پرداختن به مشکلات همسایه‌ها، دلسوزی برای افراد نه‌چندان خوشبخت و ابراز حمایت‌های گوناگون از افرادی که خارج از خانواده آن‌ها هستند، صرف می‌کنند که به تعبیری خود از خصوصیات یک جامعه جرم خیز به شمار می‌رود. جدایی خانوادگی، روابط ضعیف و نرخ کم مشارکت افراد در برنامه‌های داوطلبانه به‌سادگی می‌تواند نوعی از نابهنجاری و آنومی را پدید آورد. زمانی که اعضای یک جامعه در ابعاد اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و انتظامی نتوانند به اهداف خویش از طریق قواعد رفتار اجتماعی برسند و نیز نتوانند از ابزار و وسایل مشروع و توزیع واقعی فرصت‌ها برای نیل به اهداف اجتماعی خویش استفاده نمایند، سرخورده می‌شوند و این سرخوردگی باعث گسست و انفعال بین اهداف افراد در جامعه و وسایل نهادینه شده جهت دسترسی به آن‌ها می‌شود که خود زمینه‌ای در جهت ارتکاب جرم می‌باشد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۶).

می‌توان گفت که فرآیند اجتماعی شدن که در خرده‌نظام فرهنگی و اجتماعی، متجلی است با ارائه هنجارها و ارزش‌ها، کنشگران را یاری می‌دهد که موضع خود را در برابر آنها روشن سازند. به نظر پارسونز، این هنجارها و ارزش‌ها، از نهادهای خانوادگی، آموزشی، مذهبی و... به عنوان اطلاعات لازم به داخل نظام اجتماعی بزرگ روانه می‌شوند و خرده‌نظام اجتماعی نیز با سازوکارهایی از قبیل کنترل اجتماعی، سعی می‌کند، ضمانت اجرا و بکارگیری آنها را فراهم نماید. چنانچه این خرده‌نظام بتواند کارکرد خود را به خوبی ایفا نماید، در آن صورت توانسته است که اعضای جامعه را به هم پیوند داده، آنها را برای کنش اجتماعی و مشارکت اجتماعی در هر امری از جمله در مقوله پیشگیری از جرم آماده سازد.

تئوری نظام اجتماعی پارسونز نشان می‌دهد، که مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری به عنوان یک ارزش، از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، مساجد و اماکن مذهبی، مراکز آموزشی (دانشگاه‌ها و مدارس و غیره) و دیگر عوامل به شهروندان القاء می‌گردد و چنانچه این نهادها، کارکرد خود را به درستی انجام دهند (پیوند خرده نظام

فرهنگی و اجتماعی)، اجتماعی سازمان‌یافته به وجود می‌آید و باعث کاهش جرایم و آسیب‌های اجتماعی که یکی از نتایج مشارکت اجتماعی است، می‌گردد.

طبق نظریه سرمایه اجتماعی نیز، این نوع سرمایه (اجتماعی) با فراهم ساختن زمینه نظارت و کنترل اجتماعی غیراقتدارآمیز، فرد و جامعه‌پذیر ساختن وی که از مجرای احترام به عرف، سنت‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حاصل می‌شود، از یک‌سو به معنادار ساختن زندگی اجتماعی برای فرد و زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال وی در زندگی اجتماعی می‌پردازد و از سوی دیگر از جهت پیامدهای جمعی و عمومی، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی و سلامت کلی جامعه، پایداری و ثبات اجتماعی می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۸۵: ۲۴۰). بر اساس نظریه کنترل اجتماعی و پیوند اجتماعی هیرشی نیز پیوندهای فرد با گروه‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی، مهم‌ترین عامل در مهار رفتارهای بزهکارانه است. با ضعیف یا شکسته شدن این پیوندها، محدودیت‌هایی که اجتماع برای اعضای خود قرار داده است، برچیده می‌شود و فرد ممکن است قانون‌شکن شود. فرض این نظریه این است که بدون داشتن علاقه‌مندی به دیگران، هر فرد ممکن است مرتکب اعمال جنایی شود. از نظر هیرشی، عوامل کلیدی در ارتکاب به بزهکاری، ضعیف شدن پیوندها بین فرد و خانواده و مدرسه و همسالان (مدبر، چوبانی رستمی، ۱۳۸۸) و کاهش تعهد و درگیری و مشارکت در این گروه‌ها است.

چنان‌که گفته شد، مفهوم گرایش که مختص نظام کنش‌گر اجتماعی و متغیرهای الگویی پارسونز است، در نظریه پارسنز مطرح می‌شود و می‌توان آن را مستقیماً در نظریه پارسونز تحت موضوعات گرایش، سوگیری و متغیرهای الگویی یافت. گرایش به مشارکت و گرایش به پیشگیری از بروز جرم در نظریه دورکیم و پارسونز تبلور می‌نماید. همچنین، متغیر مشارکت اجتماعی، در نظریه‌های امیل دورکیم، نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه هیرشی و حتی نظریه بی‌سازمانی، نیز به صورت تعهد و تکلیف و درگیری فرد نسبت به جامعه خود و منبعث از شرایط اجتماعی جامعه مطرح شده است.

آنجا که هیرشی، عواملی همچون دل‌بستگی، تعهد و مشغولیت و باور را بیانگر میزان درگیری و مشارکت افراد در فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی می‌داند، در واقع، غیرمستقیم، این مشارکت در ایفای نقش در خصوص پیشگیری از بروز جرم نیز دخیل خواهد بود. اما این متغیر در نظریه پارسنز به طور واضح‌تری بیان شده است.

طبق نظریه‌های امیل دورکیم، پارسونز، لرنر و ... و به گفته چلبی، هر فردی به دو طریق با جامعه رابطه برقرار می‌کند؛ یکی از طریق ایجاد ارتباط با سایر کنشگران در جامعه و دیگری از طریق عضویت در گروه‌ها. بنابراین، ایجاد فرصت‌های ذکرشده به فرد این اجازه را می‌دهد که بیشتر به جامعه وصل شود، مشارکت خود را افزایش دهد و بدین‌وسیله مانع از خودبستگی و جدایی خود از جامعه شود. مشارکت مؤثر و داوطلبانه، ضمن آنکه برای فرد دارای مطلوبیت خاص است، به او اجازه می‌دهد که تعهدات خود را در ورای اجتماعات طبیعی تعمیم دهد و به‌این‌ترتیب، با موضوعات فرهنگی و اجتماعی بیشتر به‌صورت عام‌گرایانه برخورد نماید. همچنین این فرصت‌ها مشارکت و اشتغال ذهنی فرد را در امور اجتماعی افزایش می‌دهد و به او اجازه می‌دهد تا نقش یک شهروند مسئول را به‌صورت منطقی و آزادانه در چارچوب جامعه‌ایفا کند و فرصت‌های بعدی به فرد اجازه می‌دهد تا در سیر تصمیم‌های گروهی، حاضر، ناظر و عامل باشد. این فرصت‌ها در عمل به فرد می‌آموزد که چگونه هنگام مواجهه با تفاوت‌ها و رأی اکثریت، حلم و بردباری خود را افزایش دهد و با آنچه با اندیشه‌های او در تضاد است، به شیوه مجاب سازی مبارزه کند (چلبی، ۱۳۷۵). یعنی چنانچه نشانه‌هایی از انحراف را مشاهده کرد، در برابر آن شهروندی مسئول و مشارکت‌جو باشد. در بحث و بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی مردم با هدف کاهش جرائم باید اشاره شود که: «مسئله‌ی بنیادی اندیشه دورکیم، نظم اجتماعی است». دورکیم، مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی را اعتماد و همبستگی اجتماعی می‌داند (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۲).

دورکیم به تأثیر همبستگی اجتماعی در نزدیک کردن افراد به یکدیگر و تشدید ارتباط میان آن‌ها اشاره می‌کند. به نظر وی، هر جا که همبستگی و مشارکت اجتماعی

مردم نیرومندتر باشد، این همبستگی عامل نیرومندی در نزدیک‌تر کردن افراد به هم و تشدید تماس آن‌ها می‌شود. اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند. ولی اگر در جامعه‌ای مشارکت اجتماعی مردم ضعیف باشد، ممکن است مردم به‌سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۴). ازجمله عوامل مهم و مؤثر در همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم یک جامعه با پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم، را می‌توان فرهنگ و اعتقادات دینی، اقتصاد و جایگاه اجتماعی افراد و نیز عضویت‌های گروهی آنان عنوان نمود.

طبق نظریه انسجام اجتماعی دورکیم، ازجمله عوامل مهم و مؤثر در همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم یک جامعه در پیشگیری از جرم، می‌توان به باورهای دینی و پابندی افراد به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که دین از جمله آنهاست، اشاره نمود. ازجمله عوامل مهم و مؤثر در همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم یک جامعه در پیشگیری از انحرافات اجتماعی را می‌توان فرهنگ و اعتقادات دینی، اقتصاد و جایگاه اجتماعی و شغلی و تحصیلی افراد و نیز پابندی ایشان به قوانین اجتماعی و هنجارهای اجتماعی عنوان نمود. همچنین، به زعم دورکیم، مشغولیت یا درگیری افراد، بیانگر میزان درگیری و مشارکت آنان در فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های دینی و نقش‌های اجتماعی است. افرادی که در محیط‌های مشترک زندگی می‌کنند، غالباً دارای یک اعتقاد اخلاقی مشابه هستند و به ارزش‌های انسانی مانند همکاری، حمایت از حقوق دیگران و اجرای ضوابط قانونی احترام می‌گذارند. اگر این اعتقادات وجود نداشته باشد یا ضعیف باشد، احتمال مشارکت افراد در اقدامات ضداجتماعی بیشتر است. دین یک نمونه از این درگیری‌ها و باورها به شمار می‌رود. شرکت در فعالیت‌های دینی و مذهبی، موجب درگیری و تعهد و دلبستگی فرد به گروه و گرایش بیشتر وی به پیشگیری از جرم خواهد بود. به این ترتیب، نوعی از مشارکت اجتماعی که در آن، فرد، در امور دینی و مذهبی مشارکت می‌جوید، می‌تواند، تعهد و درگیری و مشغولیت فرد را

نسبت به جامعه خود بیشتر نموده و او را به سوی پیشگیری از جرم سوق دهد. این همان فرضی است که محقق در فرضیه فرعی اول تحقیق بیان می‌دارد.

یکی از وجوه اصلی مشارکت اجتماعی، مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد یا سمن‌ها است. نرخ کم مشارکت افراد در برنامه‌های داوطلبانه می‌تواند حمایت اجتماعی را ضعیف کند و نوعی از نابهنجاری و آنومی پدید آید (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۶). طبق نظریه سرمایه اجتماعی، می‌توان گفت که جامعه از گروه‌ها و اجتماعات بسیاری مثل شهروندی، همسایگی، قومی و... تشکیل شده است که این گروه‌ها دارای انواع مختلف از کنش فردی و جمعی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت و همچنین تصمیم گرفتن در مورد نظم جامعه خود می‌باشند. تئوری سرمایه اجتماعی تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی‌های کلان اجتماعی می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی انگیزشی در افراد ایجاد می‌کنند که عامل مشارکت می‌شود. پس وجود سرمایه اجتماعی در شهروندان سبب مشارکت آن‌ها در مسائل اجتماعی- انتظامی جامعه می‌شود (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵). در واقع اهمیت سازمان یا نهاد دولتی در پیشگیری اجتماعی از جرم، از نظرات دورکیم و تئوری سرمایه اجتماعی اقتباس شده است، در قالب نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه نظام‌های اجتماعی پارسنز نیز و اشکافی و تشریح شده است. فرد به دو طریق با اجتماع رابطه برقرار می‌کند: یکی از طریق رابطه اجتماعی بین فردی با دیگران و دیگری از طریق عضویت در اجتماعات (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

به زعم دورکیم و در جوامع معاصر با تشکیل انجمن‌های داوطلبانه، شرط لازم برای ترکیب فراگیر روابط ابزاری با روابط اظهاری فراهم می‌شود (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۵۲). عضویت در انجمن‌های داوطلبانه یا سازمانهای مردم‌نهاد، دارای آثار خرد و کلانی است که مهم‌ترین آثار خرد آن عبارت‌اند از این‌که، به فرد اجازه می‌دهند تا بیش‌تر به جامعه وصل شود و مشارکت خود را در جامعه افزایش دهد که بدین وسیله مانع از خود بیگانگی و جدایی فرد از جامعه می‌شود و فرصت‌های مشارکت ذهنی و اشتغال ذهنی

فرد در امور اجتماعی را افزایش می‌دهد و به فرد اجازه می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌های گروهی حاضر، ناظر و عامل باشد (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۴۳). از این منظر، عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت در آنها، شهروندان را هم از نظر عاطفی و هم هویتی در خود جذب نموده و ذهن و جسم آنها را فعال نگه می‌دارد و مانع بروز بی‌تفاوتی در آنان شده و مانع افزایش جرایم می‌شود.

یکی از وجوه اصلی مشارکت اجتماعی، مشارکت در امور خیریه است. عدم مشارکت در امور خیریه، از دو نقص اجتماعی خبر می‌دهد: فقر یا بی‌تفاوتی نسبت به فقر، که در هر حال شاخص مثبت اجتماعی نیست. تعداد زیادی از سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورمان با هدف خیررسانی به جامعه و اهداف پیشگیرانه در مسئله آسیب‌های اجتماعی تأسیس شده و فعالیت می‌نمایند. با تشکیل معاونت اجتماعی در ناجا، جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دستور کار پلیس قرار گرفت. مسئله مشارکت در به‌کارگیری و درگیر نمودن سازمان‌های مردم‌نهاد در رابطه با مسئله پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم، نقش حیاتی و اساسی ایفا می‌نماید. طبق نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه بی‌سازمانی، به نظر می‌رسد در محله‌هایی که بیشتر افراد یکدیگر را به‌خوبی نمی‌شناسند و نظارت بر گروه‌های همسالان در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد، تعهد مدنی است و جرم افزایش می‌یابد. بنابراین عدم سرمایه اجتماعی بدلیل عدم مشارکت اجتماعی را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان فعالیت مجرمانه در نظر گرفت. فقدان سرمایه اجتماعی موجب عدم مشارکت اجتماعی و زندگی انجمنی می‌شود که به‌تبع آن، در مقیاس فردی، خود بستری برای ورود به عرصه ناهنجاری‌های اجتماعی و جرم می‌شود. درحالی که وجود سرمایه اجتماعی در محله، به‌واسطه کارکرد کنترل، جامعه‌پذیری مشارکتی و پیوستگی اجتماعی در جلوگیری از ارتکاب به جرم تأثیرگذاری خود را نشان می‌دهد (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، الگوهای کنترل‌نشده مهاجرت و ایجاد منطقه-هایی که در آنها اهالی از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند و همانند گیاهی که در خاک

رشد می‌کند، ساکنان این مناطق در کنار یکدیگر به اجبار قرار گرفته اند و تحت تاثیر جریان‌هایی قرار دارند که در اختیار خودشان نیست، بنابراین، اهالی دچار یک هم‌زیستی بیمار هستند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۸ - ۸۵) و از مشارکت در امور محله بی‌اطلاع می‌باشند. علت کج رفتاری و ارقام بالای آن در این مناطق بی‌سازمانی اجتماعی است. در منطقه‌هایی که دچار بی‌سازمانی اجتماعی هستند، فقدان انسجام و در نتیجه فقدان مشارکت اجتماعی در امور محله وجود دارد. این مناطق تحت تاثیر نیروهای ویرانگری قرار دارند که کارکردهای اجتماعی را فلج می‌کنند و جامعه از حالت تعادل خارج می‌شود. در عین حال مقاومت در مقابل رفتار کج رو کم شده و نه تنها تحمل می‌شود، بلکه در مواردی رفتار پذیرفته شده محسوب می‌گردد. بنابراین، از نظر شاو و مک کی، مسأله این مناطق عدم حضور معیارهای فرهنگی مناسب (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۸ - ۸۵) و تبعاً مشارکت در امور محله است. به‌طور خلاصه، سنت بی‌سازمانی اجتماعی عنوان می‌کند که ویژگی‌های اجتماعی محله، رفتار افراد را به شیوه‌های مختلف تحت تاثیر قرار می‌دهد. در محلات اجتماعی آشفته، نسبت به مناطق سازمان یافته‌تر، کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد و ارتباط فرد با همسالان منحرف مانند معتادان، خرابکارها، قاچاق فروش‌ها، ولگردها و غیره افزایش می‌یابد (شاو و مک کی، ۱۹۶۹؛ Bursik & Grasmick, ۱۹۹۳، نقل از ۱: ۲۰۰۷، vowel). به نظر می‌رسد که در اینگونه محله‌ها که بیشتر افراد یکدیگر را به‌خوبی نمی‌شناسند و در امور مشترک محله مشارکت نمی‌کنند، گرایش اندکی نیز در جلوگیری از جرم از خود نشان می‌دهند. این موضوع در نظریه تعلق محله‌ای (McMillan & Chaves, ۱۹۸۶) مطرح است. همانطور که اشاره شد، این نظریه‌پردازان، معتقدند که احساس تعلق محله‌ای بر فرایندهای مشارکت محله‌ای (البته از رهگذر چهار مؤلفه احساس عضویت، تأثیرگذاری، برآورده‌سازی نیازها و پیوسته‌های عاطفی) تأثیرگذار است. این چهار مؤلفه که عوامل کلیدی در ایجاد مشارکت محله‌ای هستند، به نوبه خود بر سلامت و بهبود محله و به تبع آن، کاهش جرایم در محله کمک می‌کنند.

جدول ۱- خلاصه چارچوب نظری و فرضیات مستخرج از آن

فرضیه اصلی	فرضیات		نظریه پردازان	خلاصه مفروضات اصلی نظریه های چارچوب نظری
	فرضیه های فرعی			
نظریه مشارکت اجتماعی و گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد	مشارکت در فعالیت های دینی با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد	امیل دورکیم تنوری سرمایه اجتماعی	طبق نظریه انسجام اجتماعی دورکیم، عوامل مهم در همبستگی و مشارکت اجتماعی، باورهای دینی و همنوایی و پایبندی افراد به هنجارهای فرهنگی دینی است.	
	مشارکت در سمن ها با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد.	امیل دورکیم، پارسنز و تنوری سرمایه اجتماعی	به زعم دورکیم و در جوامع معاصر با تشکیل انجمن های داوطلبانه، شرط لازم برای ترکیب فراگیر روابط فراهم می شود. عضویت در انجمن ها یا سازمانهای مردم نهاد، دارای آثار مهم وصل کردن فرد به جامعه و افزایش مشارکت است که مانع از خود بیگانگی و جدایی فرد از جامعه می شود. تنوری سرمایه اجتماعی نیز تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی های کلان اجتماعی نموده و معتقد است سرمایه اجتماعی، انگیزشی در افراد ایجاد می کند که عامل مشارکت می شود. بنابراین وجود سرمایه اجتماعی در شهروندان سبب مشارکت آنها در مسائل اجتماعی- انتظامی جامعه می شود.	
	مشارکت در امور خیریه با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد	امیل دورکیم، تراویس و هیرشی و تنوری سرمایه اجتماعی	طبق نظریه انسجام اجتماعی دورکیم، عوامل مهم در همبستگی و مشارکت اجتماعی، شرکت در مناسک دینی و همنوایی و پایبندی افراد به هنجارهای فرهنگی- دینی است. به ویژه اینکه مشارکت در امور خیریه، یکی از مصادیق مفهوم درگیری و تعهد، در نظریه های دورکیم و سرمایه اجتماعی و هیرشی است. زیرا دورکیم و هیرشی، دل بستگی، تعهد و مشغولیت و باور را بیانگر میزان درگیری و مشارکت افراد در فعالیت ها می دانند.	

رابطه مشارکت اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم ۱۰۳

طبق نظریه سرمایه اجتماعی، نظریه بی‌سازمانی و هیرشی، در محله‌هایی که افراد یکدیگر را به‌خوبی نمی‌شناسند و نظارت در سطح پایین قرار دارد و تعهد مدنی کم است، جرم افزایش می‌یابد. فقدان سرمایه اجتماعی موجب عدم مشارکت اجتماعی و افزایش میزان فعالیت مجرمانه است.			
طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، ایجاد محلات و مناطقی که در آنها اهالی از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده و همانند گیاهی که در خاک رشد می‌کنند، در کنار یکدیگر به اجبار قرار دارند، اهالی دچار یک همزیستی بیمار می‌شوند. این نظریه‌پردازان، سیل عظیمی از آسیب‌ها و کج‌روی‌ها را منبعث از شرایط محله، داراری ویژگی‌هایی همچون بی‌تفاوتی، فقدان همزیستی و فقدان مشارکت می‌دانند.	مک‌میلان، چاوینس و هیرشی و تئوری بی‌سازمانی اجتماعی	مشارکت محلی با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد.	
طبق نظر مک‌میلان و چاوز، احساس تعلق محله‌ای بر فرایندهای مشارکت محله‌ای (از رهگذر چهار مؤلفه احساس عضویت، تأثیرگذاری، برآورده‌سازی نیازها و پیوسته‌های عاطفی) تأثیرگذار است. مشارکت محله‌ای، به نوبه خود بر سلامت و بهبود محله و کاهش جرایم در محله کمک می‌کند.			

فرضیه اصلی

بین مشارکت اجتماعی و گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. مشارکت در فعالیت‌های دینی با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد.

۲. مشارکت در سمن‌ها با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد.

۳. مشارکت در امور خیریه با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد.

۴. مشارکت محلی با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه معنادار دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش‌های کمی گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی می‌باشد که به صورت مقطعی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بیجار گروس که تعداد آنها ۴۲۴۶۴ نفر می‌باشد. حجم نمونه ۳۸۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران برآورد شده و برای نمونه‌گیری، از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است.

$$n = \frac{42464 \times 1/96^2 \times 0/5(0/5)}{42464 \times 0/05^2 + 1/96^2 \times 0/5(0/5)}$$

$$= \frac{42464 \times 3/8416 \times 0/25}{42464 \times 0/0025 + 3/8416 \times 0/25} = \frac{40782 / 4256}{107 / 1204} = 380.3423$$

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته است. اعتبار پرسشنامه، طی پنج مرحله به دست آمد. جهت اطمینان از اعتبار محتوایی^۱- صوری، پرسشنامه مورد بررسی اساتادان برجسته قرار گرفت و با حذف و اصلاح سؤالات مبهم، نامفهوم و دشوار، ویرایش گردید و اعتبار صوری حاصل شد. برای اطمینان از پایایی^۲ ابزار، از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد، که طبق آن ضرایب برای هر یک از متغیرهای مشارکت اجتماعی، و حوزه‌های آن شامل مشارکت در فعالیت‌های دینی؛ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی سمن‌ها؛ مشارکت در امور خیریه؛ مشارکت در فعالیت‌های محلی به ترتیب برابر با ۰/۹۱؛ ۰/۸۴؛ ۰/۷۵؛ ۰/۹۳؛ ۰/۸۷ و برای متغیر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم برابر با ۰/۷۶ به دست آمد.

۱. Content Validity

۲. Reliability

تعریف مفاهیم و متغیرها

گرایش پیشگیری اجتماعی از جرم: گرایش در این مطالعه به معنی شناخت، احساس و آمادگی روانی برای اقدام به عمل در زمینه پیشگیری از جرم می‌باشد که منظور از آن در این جا، تمایل پاسخگو به آمادگی روانی برای اقدام به رفتارهای مشارکت‌جویانه در زمینه پیشگیری از جرم می‌باشد. به طور کلی احساس آمادگی فرد برای اقدام به عمل در زمینه پیشگیری از جرم، تمایل پاسخگو و آمادگی روانی و عملی او برای ورود به رفتارهای مشارکت‌جویانه با هدف پیشگیری از جرم را شامل می‌شود (خوشفر، ۱۳۸۴: ۲۷۴-۲۷۳).

پیشگیری اجتماعی عبارت است از: تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم (دولفقاری و فعال، ۱۳۹۴: ۳۰؛ شایگان و اصغرزاده، ۱۳۹۴: ۷۳).

شاخص‌های این مقیاس عبارتند از:

- ۱- من تمایل دارم برای پیشگیری از جرم اقدام کنم. چون آن را وظیفه خودم نمی‌دانم، بلکه وظیفه نیروی انتظامی می‌دانم.
- ۲- من برای پیشگیری از جرم اقدام می‌کنم. چون آن را وظیفه خودم می‌دانم و همه ما باید در پیشگیری از جرم نقش داشته باشیم.
- ۳- من به طور داوطلبانه، در برقراری نظم و پیشگیری از جرم، هم با جامعه و هم با پلیس همکاری می‌کنم.
- ۴- من فقط در صورت فراهم شدن زمینه مشارکت، برای پیشگیری از جرم همکاری می‌کنم.
- ۵- من در هر صورت، برای پیشگیری اجتماعی از جرم در جامعه خودم اقدام می‌کنم.

- ۶- من برای تقویت ارتباط مردم با مراکز پلیس و اطلاع رسانی موارد مشاهده شده درباره جرم، تلاش می‌کنم.
 - ۷- من برای تقویت روحیه همکاری با نیروی انتظامی، درباره کشف محل‌های جرم و موقعیت مجرمان، تلاش می‌کنم.
 - ۸- من برای تشکیل گروه‌های خودجوش در زمینه پیشگیری از جرم، تلاش می‌کنم.
 - ۹- من برای نظارت بر جوانان محل و کنترل آنها از طریق تذکر لسانی و امر به معروف و نهی از منکر، تلاش می‌کنم.
 - ۱۰- من برای آموزش عمومی در زمینه اهمیت پیشگیری از جرم و اعتیاد و... تلاش می‌کنم و... که در سطح سنجش رتبه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.
- مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی «تقبل آگاهانه انجام امری در شکل همیاری با میل و رغبت و نیاز، با هدف بهبود زندگی اجتماعی» است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲). منظور از مشارکت اجتماعی در این تحقیق، فعالیتی داوطلبانه و ارادی است که در عرصه‌های عمومی جامعه رخ می‌دهد و منفعت عمومی را تعقیب می‌کند و به نوعی مسئولیت اجتماعی و سهم‌پذیری در عرصه‌ها و اهداف جمعی و زندگی اجتماعی است که در تحقیق حاضر، منظور از این اهداف جمعی، همان تلاش مشارکت‌جویانه برای کاهش جرم از طریق پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد. بنابراین منظور از این متغیر، اقدام به رفتارهای مشارکت‌جویانه در زمینه پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد.
- در اینجا مشارکت اجتماعی در قالب چهار سنجۀ مشارکت در فعالیت‌های دینی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی سمن‌ها، مشارکت در امور خیریه و مشارکت در فعالیت‌های محلی مورد سنجش قرار گرفته است که نمرۀ مشارکت اجتماعی از جمع نمرات چهار مؤلفه یادشده محاسبه شده است.

مشارکت در فعالیتهای دینی: در این تحقیق، منظور از مشارکت در فعالیتهای

دینی، یکی از انواع مهم مشارکت و یکی از ابعاد اجتماعی دینداری می باشد که عبارت است از: حضور و فعالیتهای مشارکتی افراد در مراسمها و مناسک دینی جمعی و سهمیم شدن در برخی از هزینههای این مراسمات و مناسک که به صورت داوطلبانه و آگاهانه در مکانهایی همچون هیأت‌های مذهبی، مساجد و منازل انجام می‌گیرد (غفاری و نیکبین، ۱۳۹۱، نقل از آخوندی و محلاتیان بابکی، ۱۳۹۵: ۸ و ۹)

معرف‌های مشارکت در فعالیتهای دینی: رفتن به مسجد، شرکت در نماز جماعت یا نماز جمعه، شرکت کردن یا برگزار کردن مراسم‌های عزاداری مذهبی (مانند ایام محرم و صفر) یا دعا‌های مختلف (مانند جوشن کبیر و...) و جشن‌ها و اعیاد مذهبی (مانند عید فطر، قربان، مبعث و...)، محیا کردن امکانات برگزاری و شرکت کردن در مراسم‌های اعتکاف و احیاء و مراسم‌های شب‌های قدر در ماه رمضان، هزینه کردن با اهداف دینی و مذهبی (کمک مالی یا احسان دادن یا نذورات و صدقات و...)، برگزاری مراسمات دینی (مانند قرآن‌خوانی، ختم قرآن) و یا تشکیل کلاس‌های آموزش قرآن.

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌ها: در این تحقیق، سازمان‌های مردم‌نهاد

اشاره به سازمان‌های خصوصی دارد که فعالیت‌هایی را در مورد کاهش امراض، ارتقای منافع و مصالح فقرا، حفظ محیط‌زیست، ارائه خدمات اجتماعی اساسی یا توسعه اجتماعی انجام می‌دهند (رحمانی‌پناه، ۱۳۸۷: ۷۴). جولی فیشر، محقق علوم اجتماعی، تعریف کلی از سازمان‌های غیردولتی فعال کشورهای جهان سوم نموده که عبارت است از اینکه «سازمان‌های غیردولتی سازمان‌هایی هستند که درگیر امور توسعه شده‌اند» (شاه بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰۵).

معرف‌های مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌ها: فعالیت برای برانگیختن

احساسات ملی مردم، فعالیت برای برانگیختن احساسات مذهبی، فعالیت برای متحد ساختن مردم، فعالیت برای هدایت مردم در کارهای عام المنفعه و فعالیت برای اطلاع رسانی و رابط بودن بین دولت (مسئولان و نمایندگان دولت) و مردم.

مشارکت در امور خیریه : سازمان غیردولتی^۱، به اجتماعات، نهادها، سازمان مردم‌نهاد که مخفف آن واژه سمن می‌باشد، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم ایفا می‌کند. سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی، غیرانتفاعی و غیر سیاسی است که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بشردوستانه و بر اساس قانونمندی و اساسنامه مدون، رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌کند (منصوری و ربیع، ۱۳۹۴).

سازمان‌های مردم نهاد، در غالب یا تمام موارد، غیرانتفاعی هستند. بودجه این سازمان‌ها از طریق کمک‌های مردمی یا سازمان‌های دولتی (به صورت غیرمستقیم) تأمین می‌شود. بعضی از سازمان‌های مردم‌نهاد نیمه‌مستقل و وظایف و کارهای دولتی را نیز انجام می‌دهند. برخی از این سازمان‌ها هیچ علاقه‌ای به سیاست ندارند؛ این در حالی است که برخی از آنها به منظور تأمین منافع اعضای خود صرفاً به لابی‌گری در دولت می‌پردازند. از آنجا که اصطلاح «سازمان مردم‌نهاد» بسیار کلی است، بسیاری از این سازمان‌ها ترجیح می‌دهند از اصطلاح نهادهای خیریه استفاده کنند (نسل، ۱۳۸۹: ۴۷). در این تحقیق منظور از مشارکت در امور خیریه، عبارت است از: برنامه‌ریزی و اقدام برای هرگونه فعالیت عام-المنفعه و خیر، همچنین کلیه فعالیت‌های آگاهانه و داوطلبانه شهروندان در امور خیریه جامعه خود که به منظور رفع نواقص جامعه، رفع نیازهای سایر شهروندان و یا بهبود وضع زندگی آنان صورت می‌گیرد، است.

معرف‌های مشارکت در امور خیریه عبارتند از: شرکت کردن در فعالیت‌های خیریه در زمینه امور فرهنگی و آموزشی و مذهبی، شرکت در فعالیت‌های خیریه در زمینه امور

۱. Non-Governmental Organization (N.G.O)

بهداشت و درمان، شرکت در فعالیتهای خیریه در زمینه امور عام‌المنفعه، شرکت در فعالیتهای خیریه در زمینه ایثار و مستمندان و امور اشتغال‌زایی و خوداتکایی.

مشارکت در فعالیتهای محلی: در این تحقیق محله مفهومی جغرافیایی - اجتماعی است. از نظر فیزیکی قسمتی از شهر است که به وسیله مرزهایی مشخص شده است و دارای گونه‌های یکسانی از واحدهای مسکونی است و یک مرکز تجاری یا مذهبی در مرکز آن قرار دارد، از نظر اجتماعی دارای ساکنانی است از نظر طبقه اجتماعی یا قومیت محله به عنوان نهاد یا اجتماع و یا اجتماع محلی دارای تشابه باشد (معصومی، ۱۳۹۰، نقل از نادری، شیرعلی، قاسمی کفرودی، ۱۳۹۳: ۹). قرابت زیادی دارد. مشارکت مردم در شهر و محله زندگی‌شان در فرآیند تصمیم‌گیری و هم تصمیم سازی مورد توجه واقع می‌شود که در بهبود کیفیت زندگی و کارآمدی مدیریت شهری نقش مهمی را ایفا می‌کند. اما به نظر می‌رسد فراهم شدن زمینه‌های مشارکت در سطح محلی توسط شهروندان نیازمند مقدمات و بسترهایی است که مشارکت را تسهیل نمایند (نادری، شیرعلی، قاسمی کفرودی، ۱۳۹۳: ۷).

معرف‌های مشارکت در فعالیتهای محلی عبارتند از: وقت خود را به صورت داوطلبانه برای بهبود شرایط محله‌ام صرف می‌کنم، با نهادهای محله‌ای مثل سرای محله و کانون‌های محله همکاری داوطلبانه دارم و برای داشتن محله‌ای بهتر با دیگر افراد و نهادهای دیگر، به صورت جمعی همکاری می‌کنم.

یافته‌های پژوهش

از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی، یافته‌ها نشان داد که ۵۱/۳ درصد را زنان و ۴۸/۷ درصد را نیز مردان تشکیل می‌دهند. میانگین سن پاسخگویان، ۳۵ سال؛ بیشترین فراوانی (مد یا نما) ۳۷ ساله‌ها بوده؛ انحراف معیار این متغیر ۱۰ و واریانس آن ۱۱۸ می‌باشد. همچنین حداقل سن در میان نمونه، ۱۸ سال و حداکثر سن ۶۱ سال می‌باشد.

بر حسب محل تولد (بومی و غیربومی بودن) یافته‌ها نشان داد ۹۰/۸ درصد را افراد بومی و فقط ۸/۴ درصد را نیز پاسخگویان غیربومی تشکیل می‌دهند. ۴۳/۹ درصد نمونه را مجردین، ۵۰/۵ درصد را متأهلین (دارای همسر)؛ و فقط ۳/۴ درصد را نیز پاسخگویان افراد بیوه (همسر مرده) تشکیل می‌دهند. از نظر متغیر سواد ۱/۶ درصد نمونه را افراد بی‌سواد، ۴/۲ درصد را ابتدایی؛ ۲۱/۱ درصد را راهنمایی، ۱۶/۳ درصد را دیپلم؛ ۳۵/۳ درصد را فوق‌دیپلم و لیسانس (تحصیلات عالی) و ۱۹/۵ درصد را فوق‌لیسانس و دکتری (تحصیلات تکمیلی) تشکیل می‌دهند. از نظر درآمد ۱۷/۶ درصد نمونه درآمدی حدود یک میلیون و کمتر دارند، ۳۴/۲ درصد نمونه درآمدی حدود بیش از یک میلیون تا دومیلیون دارند. ۲۱/۷ درصد نمونه درآمدی حدود بیش از دومیلیون تا سه میلیون دارند، ۱۳/۲ درصد نمونه درآمدی حدود بیش از سه میلیون تا چهارمیلیون دارند و ۳/۲ درصد نمونه درآمدی حدود بیش از چهارمیلیون دارند. ۲۴/۵ درصد نمونه بیکار هستند، ۱/۳ درصد نمونه را کارگران تشکیل می‌دهند، ۲/۶ درصد نمونه شغل آزاد خویش فرما دارند، ۴۹/۲ درصد نمونه کارمند معمولی هستند، ۷/۸ درصد نمونه را افرادی با شغل کارمند عالی رتبه (رئیس و مدیر، معاون) تشکیل می‌دهند و ۹/۲ درصد نیز نیروهای مسلح اعم از نیروی انتظامی و سپاه و... می‌باشند.

توصیف متغیرهای اصلی از آماره‌های فراوانی مطلق شامل گرایش مرکزی و پراکندگی استفاده شد. میانگین گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم پاسخگویان، ۴۰؛ انحراف معیار آن ۹ و واریانس آن ۸۲ می‌باشد. حداقل نمره گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم در میان نمونه، ۱۶ و حداکثر نمره ۵۰ می‌باشد. میانگین مشارکت در فعالیت‌های دینی پاسخگویان، ۱۹؛ انحراف معیار آن ۵ و واریانس آن ۲۸ می‌باشد. حداقل نمره گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم در میان نمونه ۶ و حداکثر نمره ۳۰ می‌باشد. میانگین مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌های پاسخگویان ۱۵ است؛ انحراف معیار آن ۴ و واریانس آن ۱۸ می‌باشد. حداقل نمره مشارکت در فعالیتهای اجتماعی سمن‌ها در میان نمونه ۶ و حداکثر نمره ۳۰ می‌باشد. میانگین مشارکت در

فعالیت‌های اجتماعی سمن‌ها ۱۶ است؛ انحراف معیار آن ۵ و واریانس آن ۲۸ می‌باشد. حداقل نمره مشارکت در امور خیریه در میان نمونه ۵ و حداکثر نمره ۲۵ می‌باشد. میانگین مشارکت در فعالیت‌های محلی پاسخگویان ۸، انحراف معیار آن ۳ و واریانس آن ۱۲ می‌باشد. حداقل نمره مشارکت در فعالیت‌های محلی در میان نمونه ۳ و حداکثر نمره ۱۵ می‌باشد. این متغیر، ۲۴ بی‌پاسخ نیز داشته است.

نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم برای بررسی رابطه دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به اهمیت بررسی فرضیه اصلی تحقیق، در یک ماتریس، تمام متغیرهای مستقل و متغیر وابسته شامل ابعاد متغیر مشارکت اجتماعی و متغیر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم به تفکیک، محاسبه شده‌اند. هر یک از ابعاد مشارکت در فعالیت‌های دینی، مشارکت در سمن‌ها، مشارکت در امور خیریه و مشارکت محلی به طور جداگانه در سطح معناداری حداقل ۰/۰۰۱ با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم رابطه دارند.

معمولاً در گزارش نتایج چنین آزمون‌هایی که در آن‌ها رابطه بین دو متغیر، مورد محاسبه قرار می‌گیرد، از ماتریس همبستگی استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق، می‌توان گفت بین تمام ابعاد این متغیرها رابطه مثبت و معنادار ($P=0/001$) وجود دارد. مشارکت در فعالیت‌های دینی، رابطه مثبت و معناداری با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم ($P=0/000$) دارد. این رابطه، با ۰/۳۹ درصد ضریب همبستگی در سطح معناداری $P=0/000$ از لحاظ آماری، قابل تأیید است. همچنین، متغیر مشارکت در سمن‌ها نیز رابطه مثبت و معناداری با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم دارد ($P=0/000$). این رابطه با ضریب بالایی در حدود ۰/۵۰ درصد در سطح معناداری $P=0/000$ از لحاظ آماری، قویاً تأیید شده است. همچنین، متغیر مشارکت در امور خیریه، رابطه مثبت و معناداری با گرایش به پیشگیری

اجتماعی از جرم دارد ($P=0/000$). این رابطه نیز با ضریب $0/37$ درصد و در سطح معناداری $P=0/000$ از لحاظ آماری، تأیید می‌گردد و در نهایت باید گفت از بین شاخص‌های مشارکت اجتماعی، متغیر مشارکت محلی (مشارکت در امور محله) نیز رابطه مثبت و معناداری با متغیر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم نشان داد ($P=0/000$). این رابطه با ضریب همبستگی $0/35$ درصد و سطح معناداری $P=0/001$ از لحاظ آماری، تأیید می‌گردد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، طبق اطلاعات آزمون همبستگی پیرسون که در جدول زیر درج شده است و با توجه به اینکه مشارکت اجتماعی حداقل با چهار شاخص (مشارکت در فعالیت‌های دینی، مشارکت در سمن‌ها، مشارکت در امور خیریه و مشارکت محلی) اندازه‌گیری شده است که همگی دارای همبستگی معناداری با متغیر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم هستند، پس می‌توان نتیجه گرفت که، فرضیه اصلی تحقیق در سطح کوچک تر از $p<0/001$ که به لحاظ آماری، سطح بالایی محسوب می‌گردد، تأیید شده است.

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین شاخص‌های مشارکت اجتماعی و گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
مشارکت در فعالیت‌های دینی	ضریب همبستگی				
مشارکت در سمن‌ها	ضریب همبستگی				
سطح					

					معنادار ی	
					ضرب همبسته گی	مشارک ت در
					سطح معنادار ی	امور خیریه
					ضرب همبسته گی	مشارک ت در امور
					سطح معنادار ی	محله (مشارک ت محلی)
					ضرب همبسته گی	گرایش به پیشگیر ی
					سطح معنادار ی	اجتماع ی از جرم

*** همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه مشارکت اجتماعی با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم و با روش تحقیق پیمایش اجتماعی به انجام رسید. این تحقیق، نشان داد که بین تمام ابعاد مشارکت اجتماعی و گرایش به پیشگیری از جرم، رابطه مثبت و معنادار

($p=0/001$) وجود دارد. مشارکت در فعالیتهای دینی رابطه مثبت و معناداری با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم دارد. همچنین، مشارکت در سمنها نیز رابطه مثبت و معناداری با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم دارد. مشارکت در امور خیریه نیز، رابطه مثبت و معناداری با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم دارد و در نهایت از بین شاخصهای مشارکت اجتماعی، متغیر مشارکت محلی (مشارکت در امور محله) نیز رابطه مثبت و معناداری با متغیر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم نشان داد. با توجه به اینکه مشارکت اجتماعی با چهار شاخص (مشارکت در فعالیتهای دینی، مشارکت در سمنها، مشارکت در امور خیریه و مشارکت محلی) اندازه‌گیری شده است که همگی دارای همبستگی معناداری با متغیر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم هستند، این نتیجه کلی به دست آمد که مشارکت اجتماعی، ارتباط تنگاتنگ و قوی با گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم دارد.

همچنین، ضریب R ، همبستگی خطی بین متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی و متغیر وابسته گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم برابر با $0/53$ و ضریب تعیین (R^2) یا واریانس گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم بر حسب انواع مشارکتهای اجتماعی $0/30$ به دست آمد. همچنین یافته‌ها نشان دادند که؛ مشارکت در سمنها، نقش قابل-توجهی بر گرایش به پیشگیری اجتماعی از جرم در شهروندان را نشان می‌دهد و در واقع، ضریب تعیین به دست آمده، حاصل نقش این متغیر است. مقایسه یافته‌ها نشان داد این یافته با نتایج خوشفر (۱۳۸۴) و همچنین با نتایج نامیان و جلالی (۱۳۸۴) کاملاً همسو است. این یافته همچنین با نتایج جهانتاب و داودی (۱۳۹۱)، جامی و مردی (۱۳۹۲)، حق‌نظری (۱۳۹۴) و به ویژه تحقیق شایگان و اصغرزاده (۱۳۹۴) مبنی بر تأیید جایگاه مشارکت مردم در پیشگیری اجتماعی از جرائم (مواد مخدر) و تحقیق امیدی و اجاق‌زاده محمدی (۱۳۹۵) مبنی بر مشارکتهای مردمی در پیشگیری انتظامی و اجتماعی از جرم و تحقیق (Abasi Asfajir & et al, ۲۰۱۶) که همگی تأییدکننده ارتباط بین انواعی از مشارکت با پیشگیری از جرم هستند، کاملاً همخوان است. در میان

تحقیقات خارجی، یافته‌های حاضر کاملاً همسو با نتایج تحقیق (Manaliyo, ۲۰۱۶) مبنی بر مشارکت جامعه در پیشگیری از جرم می‌باشد.

بروز و ظهور تنگناها و مشکلات تمرکزگرایی در طراحی و اجرای برنامه‌های مربوط به اداره امور کشور، از جمله پیشگیری از جرم و تأمین نظم و امنیت جامعه، موجب شده است که از چند دهه قبل، دولتمردان و سیاست‌گذاران جامعه، رویکردهای مشارکت‌جویانه را در پیش بگیرند. پس بدون شک، آگاهی از ارتباط مشارکت و همچنین مشخصه‌های مشارکت واقعی و سازنده، می‌تواند امیدواری به موفقیت این رویکردهای اجتماعی را دوجندان کند (بابایی و صفائی‌آتشگاه، ۱۳۹۳: ۸۱). امروزه، مشارکت در واقع پاسخ به شرایطی بود که جوامع علی‌الخصوص مدیریت‌ها در جهان پرتغییر با آن مواجهه شدند. وصول به توسعه پایدار که بر تأمین نیازهای انسان در نسلهای مختلف و بطور مستمر و پایدار تأکید دارد، عمدتاً از طریق شرکت همه آحاد و افراد جامعه در فرایندهای اجتماعی معطوف به رشد و توسعه اجتماعی و انسانی مقدور و محقق می‌شود. این رهیافت معتقد است که توسعه، در همه ابعادش تنها از طریق مردم، یعنی آموزش، سازماندهی و نظم بخشیدن به آنان، جلب مشارکت‌های مردمی و ترویج و تقویت روحیه کار گروهی اتفاق می‌افتد. بدون این عوامل بسیاری از منابع و پتانسیل‌های فیزیکی در فرایند توسعه بلااستفاده مانده و بازدهی لازم را نخواهند داشت. بنابراین رهیافت مشارکتی با قراردادن مردم به عنوان کانون اصلی و مرکزی توسعه، مشارکت‌های مردمی را در فرایند توسعه پایدار به‌عنوان یکی از اهرم‌های مهم نیل به توسعه انسانی قلمداد می‌کند. امروزه با توسعه شهرها و تراکم و ازدحام جمعیت شهرنشین و افزایش جرایم، کار پلیس نیز در همین رابطه افزوده گردیده به نحوی که با منابع و امکانات موجود توانایی پاسخگویی به همه نیازهای انتظامی جامعه مقدور نمی‌باشد. پیشگیری از وقوع جرم در واقع کمک به پلیس در شناسایی مکان‌ها، افراد و موارد در معرض خطر قربانی کردن و یا قربانی شدن و قربانی شدن مجدد است و اهمیت اساسی دارد و برای پیشگیری اجتماعی، موقعیت بسیار مهمی محسوب می‌گردد (Lab,

۲۱۵: ۲۰۱۴).؛ اهمیت مهم‌تر، رسیدن به شایسته‌ترین شکل مشارکت عمومی و به دست آوردن توازن سودمند میان مشارکت محلی و اقدامات سازمان‌های دولتی - از جمله پلیس - است (United Nations, ۱۹۷۹: ۱۸۵).

اهداف پیشگیری اجتماعی و محلی از جرم، به طور مستقیم بر رفتار ساکنان تاثیر می‌گذارد و به نوبه خود بر سطح جرم و ترس از جرم نیز تاثیر می‌گذارد (Lab, ۲۰۱۴: ۸۳). در تمام این تلاش‌ها، حمایت عمومی از نظر اخلاقی، مالی و غیره نیز برای موفقیت در امر پیشگیری از جرم، ضروری است (United Nations, ۱۹۷۹: ۱۸۵) به عبارتی، قربانی شدن به طور قابل توجهی اعتماد عمودی (در پلیس محلی) را کاهش می‌دهد. دولت‌ها نه تنها باید قربانیان واقعی را کاهش دهند، بلکه باید اعتماد به موسسات عمومی محلی را نیز تقویت کنند تا اثربخشی اقدامات پیشگیری از جرم را از طریق مشارکت عمومی، افزایش دهند (Corbacho, Philipp and Ruiz-Vega, ۲۰۱۵: ۴۰۰).

بنابراین، از مهم‌ترین اولویت‌های جوامع امروزی، افزایش مشارکت همه اقشار جامعه در فعالیتهای اجتماعی است. نقش مشارکتی مردم در کاهش جرایم در جامعه می‌تواند نقش پیشگیرانه و بازدارندگی داشته باشد و تحقیقات نشان داده در مناطقی که نظارت همسایگی و محلی وجود داشته باشد خود به خود میزان جرم کاهش پیدا می‌کند. علاوه بر پیشگیری از جرم؛ مشارکت اجتماعی مردم با پلیس در امور امنیتی دارای کارکردهای مثبت آشکار و پنهان فراوانی است که از جمله آن می‌توان به مواردی همچون افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش تعهد و اعتماد اجتماعی، قبول مسئولیت، افزایش امنیت، افزایش مقبولیت اجتماعی پلیس و برقراری روابط عاطفی میان پلیس و مردم اشاره کرد (منظمی‌تبار، ۱۳۸۵: ۹).

با عنایت به نگاه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به مقوله نظم و برقراری امنیت از راه پیشگیری اجتماعی از جرم به‌عنوان ثمره‌ی مشارکت جمعی در رویکرد جامعه محوری، مشارکت اجتماعی از ملزومات تقویت و توسعه نظم و امنیت به شمار می‌رود و در فقدان آن، پلیس به تنهایی قادر به برقراری نظم و امنیت نخواهد بود.

پیشنهادهای

- پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های دقیقی برای ارتقای مشارکت اجتماعی شهروندان اعم از مردان و زنان، با ایجاد تغییرات معقول در زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی مورد هدف قرار گیرد. این برنامه‌ها باید به دنبال جذب ساکنان محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات خیریه و مذهبی همچون مساجد برای رشد فرهنگ پیشگیری اجتماعی، باشند.

- با برگزاری کارگاه‌هایی با موضوعات مربوط به سواد انتظامی و سواد حقوقی و ... زمینه‌های ترویج و توسعه مشارکت اجتماعی مردم در اجرای بهینه طرح‌های انتظامی- اجتماعی با سازمان‌های انتظامی و قضایی را فراهم کنیم.

- سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، مستقل از دولت بوده و در عین غیرانتفاعی بودن، در خدمت مردم هستند و به همین دلیل، صدای مردم نامیده می‌شوند. سمن‌ها، نماد و واسطه مشارکت مردم هستند. بنابراین، می‌توان از ظرفیت‌های این سازمان‌ها از طریق تدوین نظام مشارکت سمن‌ها در فرایندهای اجرایی طرح‌های انتظامی- اجتماعی و استفاده از سمن‌ها به عنوان مشاور در اجرای طرح‌های انتظامی در پیشگیری اجتماعی از جرم بهره برد.

- از دیگر پیشنهادهاى عمده تحقیق حاضر، ایجاد طرح‌های پیشگیری اجتماعی از جرایم در همسایگی (شامل تماشای محله، حمایت محله، گشت‌های دیدزنی شهروندان) است که می‌تواند جرایم احتمالی را به سرعت گزارش و پیشگیری نماید. این شیوه اگرچه برای شهرهای بزرگتر با ایجاد شبکه‌های مجازی آنلاین و یا تلفن‌های اضطراری، موفق‌تر عمل خواهد کرد، اما در شهرهای کوچک نیز در محلات پرازدحام می‌تواند پاسخگوی مناسبی برای پیشگیری از جرم باشد.

منابع

- اصغری عبدالرضا؛ سرمدی واله علی. (۱۳۹۱). پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه. *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره دوم، شماره ۴.
- امیدی، اسماعیل؛ اجاق‌زاده محمدی، سیدمحمد. (۱۳۹۵). بررسی میزان مشارکت‌های مردمی در پیشگیری انتظامی و اجتماعی از جرم (مطالعه موردی: استان گیلان- شهروندان شهرستان لنگرود). *فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی گیلان* شماره ۱۹، دوره پنجم.
- آخوندی، محمدباقر؛ محلاتیان بابکی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دینی دانشجویان دانشگاه بیرجند. *فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*. سال دهم، شماره چهارم.
- بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر؛ عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور*. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- بابایی، جابر؛ صفایی آتشگاه، حامد. (۱۳۹۳). جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از جرم در ایران، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال نهم، شماره ۳۳. تقی‌لو، فرامرز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۲، دوره ۹.
- جامی، ناصر؛ مردی، صفر. (۱۳۹۲). *بررسی نقش مساجد در پیشگیری از جرایم (مطالعه موردی: شهرستان اهر)*، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۸).
- جهانتاب، محمد؛ داودی، ابراهیم. (۱۳۹۱). ارتقای مشارکت محلی در پیشگیری از جرم، *فصلنامه علمی-ترویجی پیشگیری از جرم*، شماره ۲۲، دوره هفتم.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نی.
- حق‌نظری، محمدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر مشارکت اجتماعی نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم (مورد مطالعه سمن‌های خرم‌آباد در سال ۹۳-۹۴). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پیشگیری اجتماعی از جرم*. دانشکده اطلاعات و آگاهی دانشگاه علوم انتظامی امین.

۱۱۹ رابطه مشارکت اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم

- خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۸۴)، «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستانهای استان مازندران»، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا* (جلد یک)، تهران: انتشارات گلبویه.
- رجیب‌پور، محمود. (۱۳۸۷). بزهکاری دانش آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشدمدار (از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش). *نشریه فصلنامه دانش انتظامی*. دوره ۱۰، شماره ۲ (مسلسل ۳۹).
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۶). *آسیب شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- شاطری پوراصفهانی، شهید؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). تأثیرات جهانی شدن فرهنگ بر جهانی شدن پیشگیری اجتماعی از جرم. *نشریه مجلس و راهبرد*. دوره ۱۹، شماره ۶۹.
- شاه بهرامی، فرخ‌اله؛ پیشگامی‌فر، زهرا؛ زال‌پور، کیانوش؛ بختیاری، تقی. (۱۳۸۹). تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار، *پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، سال ۵، شماره ۳.
- شایگان، فریبا؛ اصغرزاده، سمیه. (۱۳۹۴). جایگاه مشارکت مردم در پیشگیری اجتماعی از جرم مواد مخدر، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، دوره ۲، شماره ۵.
- طوسی، محمدعلی. (۱۳۷۰)، *مشارکت در مدیریت و حاکمیت*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، جلد اول.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی مشارکت*، تهران: نشر نزدیک
- کمالی رنجبر، جلال. (۱۳۹۲). نقش سازمان‌های مردم نهاد (NGOs) در مدیریت پیشگیری از وقوع جرم (با تأکید بر شهرستان بندر عباس). *فصلنامه دانش انتظامی‌هرمزگان*، شماره ۷: دوره چهارم.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی. *نامه پژوهش*، سال اول، شماره ۱.
- محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۸۹). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. *مجموعه مقالات پلیس و پیشگیری از جرم*. تهران: انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- مدبر، لیلا؛ چوپانی‌رستمی، محسن. (۱۳۸۹). پیشگیری اجتماعی از جرایم زنان و دختران (با تأکید بر نقش تعاملی پلیس زن در آن). *نشریه پلیس زن*. دوره ۴، شماره ۱۳.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- منصوری، سید مهدی؛ ربیعه، محمدحسین. (۱۳۹۴). نقش مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از جرم در ایران. *دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق*، میبد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- معصومی، سلمان. (۱۳۹۰). *توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلان شهر تهران*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- منظمی‌تبار جواد. (۱۳۸۵). نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی. *فصلنامه دانش انتظامی*، دوره ۸، شماره ۱.
- ذوالفقاری، حسین؛ فعال، صیدال. (۱۳۹۴). بررسی نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم (مطالعه موردی منطقه ۲ و ۱۲ شهر تهران). *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۱.
- نادری احمد؛ شیرعلی ابراهیم؛ قاسمی‌کفروزی، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت آباد). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۶، شماره ۳ (مسل ۲۳).
- نیروی انتظامی. (۱۳۹۵). *اطلس انتظامی شهرستان بیجار*، کردستان، معاونت اجتماعی.
- هرسیج، حسین؛ محموداوغلی، رضا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۲.
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر ارتکاب جرم، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۶.
- Abasi Asfajir Ali Aschar, Ghorbani Asl Valiallah. (2016). *The Role of Social Factors in The Prevention of Urban Crime (Burglary and Drugs) Case Study District Three Sari. Urban Studies*, Volume 6 , Number 20; Page (s) ۱۵۷ □□ ۱۸۵
- Boggs's, Lyndsay N. and Muskily, Jon,. (2014). the spatial context of the disorder-crime relationship in a study of Reno neighborhoods. *Social Science Research*. Volume 43, Issue 1, 2008, Pages 168-183.
- Chamberlain, Alyssa W. And Hipp, John R., (2015). it's all relative: Concentrated disadvantage within and across neighborhoods and

- communities, and the consequences for neighborhoods crime. *Journal of Criminal Justice*, Volume 43, Issue 6, 2015, Pages: 431-443.
- Corbacho,; Julia Philipp and Mauricio Ruiz-Vega. (2015). *Crime and Erosion of Trust: Evidence for Latin America*, World Development, Volume 70, June ۲۰۱۵, ۴۰۰-۴۱۵
 - Kizmaz, Z. (2012). *Gelismekte Olan Ülkelerde Suc: Suc Oranlarinin Artisi Üzerine Sosyolojik Bir Çözümleme*. Mukaddime, 1: 2459-0711, 2012. Erişim Adresi: <http://mukaddime.artuklu.edu.tr/article/view/5000070245>
 - Lab, Steven P. (2014). *Crime Prevention (Eighth Edition) Approaches, Practices, and Evaluations. Chapter 5 – Neighborhood Crime Prevention*. ages 83-109.
 - Manaliyo Claude, Jean. (2016). Barriers to Community Participation in Crime Prevention in Low Income Communities in Cape Town, *International Journal of Social Sciences and Humanity Studies*, Vol 8, No 1, 2016 ISSN: ۱۳۰۹
 - McMillan, W. D., Chaves, M. D. (1986). Sense of community: A definition and a theory. *Journal of Community Psychology*, 14, 6-22
 - Perrella, Andrea M.L. (2017). *Anthony Piscitelli. The Social Science Journal*. Volume 54, Issue 2, June 2017, Pages 179-190
 - United Nations. (1979). Participation of the Public in the Prevention and Control of Crime and Delinquency. *Journal of International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, Volume 3, Issue 2, Pages 185-207.
 - Vowel, Paul R. (2007). a Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Context, Social Control, Self-Control, and Youth Violent Behavior. *Western Criminology Review*. Volume ۸, Issue ۴, October ۲۰۰۷, Pages: 1-15.